

تلاش اصلاح‌گرایان برای حفظ قدرت

اگر چه در انتخابات شوراهای اسلامی عدم حمایت مردم از جناح اصلاح‌گرای نظام، نشان داد که توهم نتیجه گرفتن از رفورم در حکومت جنایتکار اسلامی در اذهان توده‌ها از بین رفته است اما خود جناح «چپ» دچار این تصور واهی شده بود که علی‌رغم از دست دادن پایگاه مردمی، با در دست داشتن اکثریت کرسی‌های مجلس ششم و دولت خاتمی باز هم قادر است که حفظ قدرت کند. حتی تا پیش از رد صلاحیت‌های گسترده‌ی کاندیداهای اصلاح‌گرا، "چپ‌گرایان" بر این باور متفق بودند که می‌توانند با مذاکرات پشت پرده در یک آشتی جناحی، بر سر تقسیم قدرت با راست‌گرایان به توافق برسند. اما مقاومت شورای نگهبان و رهبری نظام در مقابل درخواست تأیید صلاحیت اصلاح‌طلبان در مرحله‌ی بازبینی، آشکار ساخت که افق دید راست‌گرایان، قبضه‌ی کامل حکومت است.

با بی‌تفاوتی مردم نسبت به تحصن نمایندگان و تسلیم شدن خاتمی و کروبی در برابر تأکید رهبری نظام بر برگزاری انتخابات در موعد مقرر، انتخابات دوره‌ی هفتم برگزار شد و جناح اقلیت مجلس ششم با آرای بسیار ناچیز به پیروزی رسید چرا که اکثریت کسانی که واجد رای دادن بودند انتخابات را بی‌توجه به دعوای جناحی نظام تحریم کردند. در نتیجه با وجود شایعه پراکنی و ارباب توده‌ها، ثمره‌ی تقلای چندین ماهه‌ی حکومت در صدا و سیمای لاریجانی چیزی جز شرکت کم‌تر از پنجاه درصد واجدین رای نبود که در این آمار نیز احتمال تقلب بسیار بالاست.

اما بازنده ی بزرگ این انتخابات، " جناح چپ" نظام آخوندی، بلافاصله پس از شکست با توقیف دو روزنامه ی شرق و یاس نو و فشار قوه ی قضاییه بر اصلاح طلبان متوجه این حقیقت تلخ شد که راستگرایان بهیچوجه سخاوتمند نیستند و تهاجم تا حذف کامل "چپ" از صحنه سیاست ادامه دارد. به این ترتیب بسیاری از نمایندگان که پیش از برگزاری انتخابات استعفانامه ی خود را نوشته بودند، حال ترک مجلس را خودکشی سیاسی می دانند و درصددند مدت قلیل باقی مانده از مجلس هفتم را برای باز آرایی نیروهای خود مورد استفاده قرار دهند.

امروز نقطه ی اشتراک میان احزاب "چپ" نظام تلاش برای حفظ بقای سیاسی خود در حکومت است، در نشست های مشترکی که پشت درهای بسته صورت می گیرد، همه به دنبال راه حلی برای مقابله با انحصارطلبی راست در قدرت، می باشند. مهم ترین دیدگاه های که مطرح می شود، سه نقطه نظر است که در زیر مختصراً بررسی می شوند:

۱- خروج از حاکمیت.

اصلاح طلبان بارها با تهدید به خروج از نظام سعی در کاستن فشارها و محدودیت هایی داشتند که جناح راست عمدتاً از کانال شورای نگهبان، بر دولت و مجلس وارد می ساخت. آخرین مورد، استعفاهای دسته جمعی نمایندگان مجلس بود که به شکست انجامید چرا که تشکیل اپوزیونی خارج از حکومت تنها زمانی نتیجه ی دلخواه را به دنبال دارد که با پشتونه ای آرای مردمی صورت بگیرد. در حال حاضر، با توجه به بی اعتمادی توده ها نسبت به اصلاحگرایان خروج از حاکمیت به مفهوم خودکشی " چپ" است. در میان

خود گروه های دوم خرداد نیز عده ی اندکی به این راه حل می اندیشند و اکثریت در تلاشند قدرت باقی مانده را حفظ کنند.

۲- جلب نظر مساعد مردم با تقویت دولت

گروهی از اصلاح طلبان با استدلال بر موفقیت شهردار تهران در کسب آرای مردم به نفع لیست ائتلاف «آبادگرا» در انتخابات دوره ی هفتم مجلس بر این باورند که می توانند در مدت باقی مانده از دولت خاتمی، دوباره حمایت مردم را جلب کرده و "چپ" را در حکومت تقویت کنند. این در حالی است که بر این واقعیت بزرگ چشم بسته اند که آبادگران با تکیه بر آرای اقلیتی که جز مزدوران نظام نیستند، توانست پیروز انتصابات شود و اکثریت مردم ایران رغبتی به شرکت در انتخابات نداشتند. حال با توجه به این که تجربه ثابت کرده است تعویض چند وزیر و یا انتشار کتاب مظلومیت خاتمی در عمل کردن به وعده های انتخاباتی اصلاح طلبان در بهسازی احساسات مردم تأثیری نداشته است، زمانی دیدگاه بالا ثمربخش است که جناح چپ تمام توانش را در کسب آرای سرمایه گذاری کند که همواره به علت منافع خود، مزدوران جان پر کف نظام جنایتکار آخوندی بوده و خواهند ماند.

۳- شرکت در انتخابات با نامی جدید و به صورت گمنام

مضحک ترین راه حلی که برای حفظ بقای "چپ" نظام به نظر می رسد، شرکت در انتخابات ریاست جمهوری با استفاده از فریب توده ها می باشد. دیدگاهی که یا باید به توافق با جناح راست دست یافت که با توجه به خصلت انحصارگرایی این جناح غیرممکن است و شورای نگهبان اجازه ی حضور

کاندیدای "چپ" را در رقابت انتخابات نمی دهد و یا تلاش کرد که جناح راست را نیز هم چون توده ها فریفت. ارائه ی چنین پیشنهادهای از طرف جریان دوم خرداد به وضوح ماهیت ضد مردمی و فرصت طلبی جناحی را آشکار می کند که برخلاف شعارهای پُر طمطراق خود تنها به قدرت می اندیشند.

اما خوشبختانه امروز توده ها، به این باور رسیده اند که تنها با براندازی رژیم آخوندی می توانند به مطالبات بر حق خود دست یابند و راه کار انقلاب که سال ها عناصر ضد انقلابی رفرمیست سعی داشتند آن را ناشدنی جلوه بدهند، بار دیگر روشن تر از پیش در ذهن مبارزان انقلابی ، یگانه راه خلاصی از استثمار سرمایه گردیده است.

رُزا جوان

دوازده فروردین هشتادوسه

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری